

مراکز یاورشهر از معتاداتی نگهداری می‌کنند که هیچ جای دیگر آنها را نمی‌پذیرند. بارها گزارش‌هایی از وضعیت نامناسب یاورشهری‌ها منتشر شده است، اما دیدن وضعیت آنها از نزدیک با همه گزارش‌ها فرق می‌کند. دستگاه‌های مسئول آن طور که باید و شاید به وظایف‌شان عمل نمی‌کنند. یاورشهری‌ها یا خانواده ندارند یا حتی خانواده‌های‌شان هم آنها را قبول نمی‌کنند. شهرداری با صرف هزینه‌های گزاف، از این افسراد پذیرایی می‌کند. «چوان» از یاورشهر ۳ گزارش میدانی تهیه کرده است.

■ ■ ■

وارد سوله چند صدمتری که می‌شویم هیاهو و فریادها بلند می‌شود، انگار به دنبال گوشی‌بسی برای فریاد زدن می‌گشتند. پسر جوانی به سمت‌مان می‌آید. ترسی درونم از خطری که شاید داشته‌باشد، بیدار می‌شود. انواع و اقسام بیماری‌ها و مشکلات روحی که از قبل در میان «یاورشهری‌های ۳» گزارش شده مرور می‌شود، اما سعی می‌کنم خونسر رفتار کنم و از میان هیاهوها و گاهی ناسزاها خوب بیبینم و خوب بشنوم. حیرتم از این همه دردی که در این سوله جمع‌شده زیر ماسک‌هایی که تا زیر چشم کشیده‌ام پنهان است. پسر جوان می‌گوید: منو بیرون بیرون پسر مردی که انگار نجات‌بخشی را پیدا کرده‌است با یک پایش به سختی سمت‌مان می‌آید و فریاد می‌زند: خانم دکتر، خانم دکتر!

محمدمهدی اسماعیلی، مدیر این یاورشهر که در این بازدید همراهی‌مان می‌کند، می‌گوید: یاورشهری‌ها تا کسی را نمی‌بینند، شلوغ‌کاری می‌کنند و به هم می‌ریزند، نرسید! اینها ترجیح می‌دهند بیرون از اینجا مواد مصرف کنند تا اینکه اینجا درمان شوند.

■ **نشسته‌اند اجل سراغ‌شان بیاید**

چشم‌میان ۱۲۶ تخت و افراد خوابیده با لباس‌های آبی آسمانی می‌چرخد، پیرمرد نیمه برهنه‌ای روی تخت افتاده، بدن نحیفش را تکانی می‌دهد تا ببیند دور و اطرافش چه خبر است. به اینها می‌گویند ته‌خلی، انهایی که دیگر امیدی به آینده ندارند، خانواده پذیرای‌شان نیستند و عمدتاً اعتیاد شام و چودشام را اسیه کرده‌است و نشسته‌اند اجل سراغ شان بیاید.

از لابه‌لای تخت‌ها و چهره‌های بی‌رقب با دلپره عبور می‌کنم. مددکارها همراه‌مان هستند. پیرمردی سعی می‌کند با من ارتباط بگیرد. سلام و احوالی‌رسی می‌کنم، اما حتی یک کلمه از حرف‌هایش را متوجه نمی‌شوم. کلمات گنگ و بی‌ربطی را پشت هم می‌چیند. هیاهو حتی اجازه نمی‌دهد چیزی از کلمات گنگش دست‌گیرم شود. مددکار جوان همراه‌مان می‌گوید: ایلمری‌استادر خیابان سرگردان پیدایش کرده‌اند، داریم سعی می‌کنیم خانواده‌اش را پیدا کنیم.

مرد مسن سنگین‌وزنی با روی خوش سلام می‌کند. نمی‌دانم وسط این همه انسان ته‌خصلی از دیدنش خوشحال باشم یا ناراحت!

برای مدیر مرکز از آخرین وضعیتش توضیح می‌دهد. پایش آنقدر روم دارد که قادر به حرکت دانش نیست. خودش را محبی معرفی می‌کند و می‌گوید که از مهرماه سال گذشته اینجااست. می‌گوید در پاساژ در تهران تسهیل کار بوده است. مادرش در مرکز سالمندان کرج بستری است و همسرش هم در حشف همسری نکرده که کارش به اینجا کشیده‌است.

با وجود این همه حال بد اطرافیانش، معتقد است در

رئیس دستگاه قضا متفق‌سر سخت رویه قضایی شد! انتقاداتی که حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی‌اژه‌ای نسبت به عملکرد دستگاه قضایی بیان کرده، سال‌هاست از سوی جودی‌ترین منتقدان رویه‌های قضایی بی‌مان می‌شود. اصول‌فراموش‌شده قانون اساسی کم نیستند، اما برخی از این اصول به‌رغم اینکه مطالبه ملی و حتی فراملی هم بوده هستند، باز هم خواسته یا ناخواسته هیچ‌گاه از سوی هیچ دستگاهی اجرائی نشده‌اند.

■ ■ ■

محاکمات علنی یکی از تصریحات قانون اساسی است که در کنار اصولی چون آزادی جمعاعت، به رسمیت شناختن زبان‌های محلی، احوال‌شخصیه مذاهب دارای پیرو در کشور و سایر اصل‌های مندرج در فصل حقوق ملت، قانون اساسی ما را به یکی از مترقیانه‌ترین قوانین اساسی تبدیل کرده است. اینکه چرا این اصول مترقی در طول ۴۵سال گذشته اجرائی نشده است، بیشتر از آنکه دلایل حقوقی داشته باشد، توجهات سیاسی دارد. حالا رئیس دستگاه قضا بر این توجهات سیداست.

مشروح مذاکرات قانون اساسی در سال ۱۳۵۷ و اصلاح سال ۱۳۶۸ نشان می‌دهد نمایندگان مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی، به‌رغم فضای ملتهد انقلاب و پس از جنگ تا توانسته‌اند افکار و اهداف اسلامی و مترقی خود را کنار نگذاشته‌اند و به پنهان انقلاب و جنگ، حقوق ملت را تضییق و تضییع نکرده‌اند. بزرگانی چون شهید بهشتی دفاعیات متفکرانه و مترقیانه‌ای از علنی بودن داد‌گاه‌ها داشته‌اند. البته با تأسف باید نوشت که بعضی از این افکار و اهداف مترقی، اگر چه با دوراندیشی در سال‌های انقلاب و پس‌از جنگ تدوین و در قانون اساسی گنجانده شدند، اما در قوانین مادی، با هیچ‌گاه اجرائی نشدند و عملاً و علناً برخلاف آنها قانونگذاری شد. این‌گونه بود که سند بالادستی قانون اساسی که باید بر همه

گزارش میدانی «چوان» از یاورشهر ۳

یاور شهری‌ها پناهی جز تخت‌های فلزی و لباس‌های آبی ندارند



سهیل صحرانورد از اژانس عکس تهران

این یاورشهر جز احترام چیزی از کار کنار و مدد کاران ندیده‌است. می‌پرسم اعتیاد داری، پاسخ می‌دهد: نه

کار تن خوابم، نه معناده، اما نمی‌خواهم زیر دین کسی باشم. انگار که گوشی برای دردل پیدا کرده‌است. به سرعت ادامه می‌دهد و از نامردی‌های روزگار و قرص‌ها و کپسول‌های زرد و سفیدی که در بیمارستان برایش تجویز شده حرف رو به من می‌گوید: آسان شریفی است، آقای اسماعیلی رو به من می‌گوید: آسان شریفی است، ولی به دلیل مشکلش (به پایش اشاره می‌کند) پذیرایش هستیم. باید برایش از در مانگاه بیمارستان وقت بگیرم.

■ **متکدیان خراجی در یاورشهر**

پیرمرد دیگری با پای آسیب‌دیده به سختی به میان جمع می‌آید و رو به آقای مدیر می‌گوید: می‌توام از اینجا بروم، مرخصم کنید. با واکر چند قدمی بر می‌دارد. پایش نحیف است. می‌گوید پام شکسته است، خودم می‌توام با عصا بروم. مدیر مرکز رو به ما می‌گوید متکدی است!

اینجا حتی متکدی خراجی هم هست! یک مرد بلندقامت با چهره تیره و بایی که لنگ می‌زند. انطور که مددکاران می‌گویند یک مرد پاکستانی است که فلج اطفال داشته و به عنوان متکدی از سطح شهر پیدایش کرده‌اند.

پسر جوانی فریاد زان رو به ما می‌گوید: من باید از اینجا بروم. نگاهی به چهره خونسر مددکاران در این هیاهو و جنگ‌اعصاب می‌اندام. پیش خودم تحسین‌شان می‌کنم. پیرمرد با پای آسیب‌دیده همچنان در حال اثبات این است که با عصا راه می‌رود و باید بگذارد از اینجا برود. چندبار دادگاه، علنی بود که منافی عرف عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعای خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند محاکمه علنی نباشد.

حالا اما آنچه در قانونگذاری‌های چهار دهه‌ای ما رخ داده و در رویه داد‌گاه‌های ما اتفاق افتاده، این اصل برعکس شده است: هیچ داد‌گاهی علنی نیست، مگر اینکه قاضی به سلیقه خود تشخیص دهد داد‌گاه باید علنی باشد! یعنی کاملاً برعکس قانون اساسی!

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه گفت: ما در برخی موضوعات مبتنی بر قانون اساسی جلو نرفته‌ایم و محدودیت‌هایی را در طول دهه‌ها و سال‌ها ایجاد کرده‌ایم که تصور داریم این محدودیت‌ها به نفع ماست، اما به اعتقاد من اگر نگوییم این محدودیت‌ها به ضرر ما بوده، حداقل باید بگوییم به نفع ما نیز نبوده است.

رئیس دستگاه قضا که بار رئیس و معاونان سازمان صداوسیما صحبت می‌کرد، گفت: برای نمونه قانون اساسی تأکید دارد به غیر از چند مورد استثنا، داد‌گاه‌ها و محاکمات، علنی باشد، اما در این زمینه قانون دست

آرام از ما دور می‌شود.

■ **واگذاری مراکز بهزیستی به بخش خصوصی**

آمار پذیرش یاور شهر ۳ نشان می‌دهد ۳۴ نفر از مددجویان حاضر در این مجموعه در حال حاضر به دلیل معلولیت و مشکلات اعصاب و روان حکم تحویل به بهزیستی دارند، اما این افراد منتقل نمی‌شوند. اسماعیلی مدیر این یاور شهر می‌گوید: دو سال است یک نفر هم از مجموعه ما خارج شده‌است! چون بهزیستی، مراکزش را به بخش خصوصی واگذار کرده‌است و آنها ترجیح می‌دهند فردی را پذیرش کنند که بتوانند از او پول دریافت کنند.

او ادامه می‌دهد: اگر این افراد به بهزیستی منتقل شوند، در مراکز تخصصی مناسب با مشکل‌شان بستری می‌شوند. به این صورت اعصاب و روان‌ها خدمات تخصصی دریافت می‌کنند و افسراد معلول در مر کزی جداگانه رسیدگی می‌شوند، اما اینجا فرد معلول، بیمار اعصاب و روان و معتاد



علی سیربند اجباز

محاکمه داد‌گاه‌های غیر علنی

عالی‌ترین مقام قضایی به رویه ۴۵ساله ناقض قانون اساسی در داد‌گاه‌ها انتقاد جدی کرد

ما را بسته‌است. وی در ادامه به یکی از محدودیت‌های قانونی که عملاً قانون اساسی را نقض کرده‌است، اشاره کرد و گفت: گفته می‌شود داد‌گاه علنی باشد، اما مفاد آن انتشار پیدا نکند!

رئیس عدلیه از تجربیات شخصی خودش هم علیه سیاست غلط غیرعلنی بودن داد‌گاه می‌گوید: به عنوان قاضی‌ای که تجربه برگزاری داد‌گاه‌های علنی را دارم، می‌توام بگویم بر پایی محاکمات علنی و انتشار مفاد آنها به نفع من قاضی و دستگاه قضایی بوده است.

■ **چند فایده مهم داد‌گاه علنی**

قانونگذاران اساسی در سال‌های ۵۷ و ۶۸ به پشتوانه احکام قهقی و اندیشه‌های علمی بسر علنی بودن داد‌گاه‌ها، اصرا روززبند و اصل ۱۶۵ را در قانون اساسی گنجاندند. بازدارندگی برای متهمان بالقوه و ائتان استدلال‌های را ی صادره، از جمله فواید علنی بودن داد‌گاه‌است. رئیس دستگاه قضا در نقد غیر علنی بودن داد‌گاه‌ها به فواید علنی بودن هم اشاره می‌کند



اینباشت مددجویان رسوبی که بیش از یک سال است در مرکز حضور دارند، بار هزینه‌های مضاعف و مسائل حقوقی و قضایی را بر گردن شهرداری انداخته‌است. به سمت دیگر تخت‌ها حرکت می‌کنم. مردی که اعتیاد دیگر انگار تشخیص سنش را هم سخت کرده‌است، فریاد می‌زند من دو سال و نیم است، اینجا می‌پایش سیاه است، انگار چند انگشت هم ندارد، می‌گوید: هر شب یک انگشتم سیاه می‌شود و پام پر از کرم شده‌است. پایش بوی بسیاری بدی می‌دهد، چیزی مثل بوی عفونت زیاد. مدیر مرکز در مقابل شوکالیه‌اش می‌گوید: راهی نداری جز اینکه بایت را قطع کنی، با فریاد رضایت می‌دهد.

■ **خواهرش هم او را نمی‌پذیرد**

مرد جوان با پای برهنه در میان تخت‌ها حرکت می‌کند. چهره گنگی دارد، انگار خواب‌زده است. به سمت هر کسی می‌رود با نگاه پر التماسش می‌گوید منو از اینجا بیرون ببرید، به بلیت بگیرید من بزم. حالا کجا؟ خدا می‌داند! مدیر مرکز می‌گوید: شیشه مصرف می‌کند و شماره خواهرش را به مددکاری داده‌است، اما انگار پذیرایش نیستند.

پیرمردی که دو پایش قطع شده دائماً فریاد می‌زند و فحاشی می‌کند. نگاهی به چهره خونسر د و آرام مددکار همراه‌مان می‌اندام و دلم قرص می‌شود که خطری ندارد. اینطور که متوجه می‌شوم یک متکدی معروف در محلات شمالی تهران است که چند وقت یک‌بار گذرش به اینجا می‌افتد.

از همه مددجویایی که دیدم، بدترین مورد را در لحظات آخر حضور، متوجه شرایطش می‌شوم. کولوستومی دارد و بخشی از رودش‌اش از بدن خارج شده‌است. خروج فضولات بدن نمای بسیار بد و ناراحت‌کننده‌ای دارد. با دو روزی چند بار لباسش را عوض کنند و نیاز است که دائماً کیسه مخصوص کولوستومی از مراکز درمان بگیرند. مددکار می‌گوید: حتی برای گرفتن این کیسه هم گاهی به مشکل می‌خوریم!

■ **هر ماه ۲۵۰ میلیون صورت وضعیت بیمارستان**
آن طور که اسماعیلی توضیح می‌دهد: به‌رغم اینکه دانشگاه‌های علوم پزشکی پای کار آمده‌اند، شهرداری برای درمان این افراد هزینه می‌کند. علاوه بر هزینه‌های روزمره این افراد، ماهانه ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان صورت وضعیت به بیمارستان می‌دهیم. البته همه بیمارستان‌ها هم همکاری نمی‌کنند، حتی اورژانس هم رغبتی ندارد که برای اعزام این مددچوها به بیمارستان همکاری کند. اعزامی‌ها تنها با تشخیص کاهش سطح هوشیاری به یاورشهر می‌آیند. در حالی که عمده این افراد مشکل عفونی و توپدی دارند.

شهرداری تهران در تأمین هزینه‌ها اداره یاورشهرها تقریباً یکبه یک تنه‌است. قرار بود ۱۴ دستگاه مرتبط همچون حلقه‌های یک زنجیر، این افراد را اساماندهی و توانمند کنند، حتی وقتی اسم شهرداری می‌آید، خیرین هم فکر می‌کنند دیگر نیازی به کمک نیست. یاورشهر ۳ که پذیرای مستضعف‌ترین افراد است از نگاه دستگاه‌ها و خیرین دور مانده‌است، افرادی که حتی از سمت خانواده‌شان طرد شده‌اند و نهی تخت‌های فلزی و لباس‌های آبی آسمانی این مرکز ندارند. یاورشهری‌ها سالانه ۸۰ نفرشان برای همیشه در مطلوبانه‌ترین شرایط دنیا می‌روند، کسانی که حتی هویت مشخص و قابل اعتمادی برای معرفی به سازمان بهشت زهرا ندارند.

دهه شصتی بود و کلیپ قرعه‌کشی جوانان داعشی برای کشته شدن در حمله انتحاری حسایی به همش ریخته‌بود...

– لامصب‌ها چنان شادمان بودند که گویا به حمله عروس می‌روند! حالت زمنده سپاه علی را داشت، در جنگ جمل؛ همو که در میانه میدان دچار شک و دودلی شده‌بود!

بختک تردید امانش را برید: «من در حقانیت راهی شک کرده‌ام که در آن گام می‌نهم. این سوی میدان شما یید؛ خلیفه و وصی پیامبر، اما آن سو نیز طلحه و زبیرند؛ بر چمداران سپاه رسول‌الله... من چه کنم؟»

علی با یک جمله آرامش کرد: هر همی بر زخمی ناسور:

– می‌دانی عیب کار تو چیست؟ تو آدمیان را وسط گذاشته، حق را با آنان می‌سنجی... باید حقیقت‌محور باشد و همه با آن سنجیده شوند!

چوان برنا به هم نریز... شادمانی جوانان داعسی را روزی دشمنان علی هم داشتند!

قضائ



صدور رأی نهایی ترک‌فعل مدیران دستگاه‌های مختلف در اجرای قانون هوای پاک

رئیس کل دادگستری استان تهران از صدور رأی نهایی در خصوص پرونده ترک فعل قضات استان از مدیران در حوزه اجرای قانون هوای پاک خبر داد.

القاصی، رئیس کل دادگستری استان تهران از صدور رأی نهایی در خصوص پرونده ترک فعل تعدادی از مدیران در حوزه اجرای قانون هوای پاک خبر داد و گفت: دادگستری استان تهران در راستای رسیدگی و برخورد با ترک‌فعل‌های مسئولان و متولیان دستگاه‌های مختلف در حوزه اجرای قانون هوای پاک، پس از اخذ گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، پرونده‌ای را در این رابطه تشکیل داد و بعد از سپر تحقیقاتی کامل و استعلاماتی که صورت گرفت، در نهایت برای یک نفر از مسئولان فملی و چهار نفر از مسئولان وقت دستگاه‌های مختلف اتهام سوء‌استفاده از مقام و موقعیت شغلی به لحاظ عدم اجرای قانون هوای پاک و مقررات مرتبط با این قانون، احکامی را صادر کرد.

وی افزود: در این پرونده، «معاون برق و انرژی وزارت نیرو»، «مدیرعامل وقت شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران» و «معاون وقت محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست»، هر کدام به سه سال انفصال از خدمات دولتی و همچنین «معاون وقت نظارت بر اجرای استانداردهای سازمان ملی استاندارد ایران» و «معاون وقت تدوین و ترویج استاندارد سازمان ملی استاندارد» به جهت بازنشستگی در زمان اصدا دادنامه بدوی و توجه اتهام در مقام تصدی مسئولیت اجرایی، هر کدام به پرداخت ۲۰۰ میلیون ریال جزای نقدی درجه ۶ محکوم شدند.

خبر کوتاه

■ معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: یک‌میلیارد دلار در ام‌د آرزوی حاصل از گردشگری سلامت در کشور حاصل شده است.

■ تیم‌المیاد فیزیک جمهوری اسلامی ایران در پنجاهوسومین المیاد جهانی فیزیک موفق به دریافت چهار مدال نقره و یک مدال برنز شد.

■ رئیس کل سازمان نظام پرستاری از وجود ۳۰ تا ۴۰هزار پرستار بیکار در کشور خبر داد و گفت: در حال حاضر با کمبود بیش از ۱۰۰ هزار پرستار در مراکز درمانی و بیمارستان‌های کشور مواجهیم.

■ سخنگوی قوه قضائیه گفت: در خصوص محتوای صوت و تصویر فراگیر، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را لازم‌الاجرا می‌دانیم.

■ خزانه‌دار شورای شهر تهران از تحقق ۹۴درصدی بودجه شهرداری در بهار ۱۴۰۲ خبر داد.

■ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از صادرات داروهایی که بیش از نیاز داخلی کشور تولید می‌شوند و در ایران کمبودی ندارند، به تاجیکستان خبر داد.

■ سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد: در دولت سیزدهم و با تعامل مؤثر دستگاه قضایی و سازمان بهزیستی در راستای اصلاح فرایند فرزندخواندگی، تاکنون ۴هزارو ۱۰۰ کودک به فرزندخواندگی سپرده شده است.

■ مدیرکل کمیته امداد استان تهران از حمایت هزارو ۲۸۰میلیارد تومانی مرکز نیکوکاری خیر داد و گفت: سرمد پایتخت در مجموع سال گذشته بیش از ۲هزارمیلیارد تومان به کمیته امداد در حمایت از مددجویان کمک کرد.

■ رئیس اداره اتباع مرکز امور بین‌الملل وزارت آموزش و پرورش گفت: شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع در مدارس در کمیته مستندسازی در حال بررسی و تکسب تأییدیه‌های لازم برای ابلاغ به استان‌هاست.

■ مدیرکل دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: در حال حاضر از لحاظ علمی در تبه چهارم تولید علم طب‌سنتری در دنیا قرار داریم و توسعه این نوع طبابت هم به صورت ویژه در دستور کار دولت قرار دارد.

■ مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران از سیاه‌پوش شدن و آماده‌سازی پایتخت با همکاری هیئت‌های عزاداری و عاشقان سیدالشهدا برای برگزاری سوگوازی ایام شهادت ابدالعابدالحسین(ع) خبر داد.

■ رئیس سازمان بازرسی کل کشور با مثبت ارزیابی کردن اقدامات اخیر برای قفروش اموال مازاد برخی دستگاه‌ها، تصویب آیین‌نامه اجرایی مولدسازی را گام مهمی در برابر مقاومت مدیران در این موضوع دانست و اولویت‌بندی طرح‌های مهم و تأثیرگذار در فروش اموال مازاد دستگاه‌ها را مورد توجه قرار داد.

■ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری از اختصاص بودجه برای آزمایشگاه‌های مراکز آموزش عالی و اعطای امتیازاتی به المیادیه‌های مثال آور در رشته‌های علوم پایه خبر داد و گفت: این دانشجویان از طریق معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری و بنیاد ملی نخبگان بورسیه شدند و اگر آنها بپویایی خود را حفظ کنند، عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها می‌شوند.